

## جلسه ششم قانون جذب ۲

جلسه ششم کلاس ثروت ایمان

بانوی لطیف مقتدر بایاری خوبان عالم و نفس پاک  
قدسیهای جهان ، ائمه معصوم شروع می کنیم.

خانم جباری : سلام

بچه ها : سلام

پرانرژی هستین ؟

بله

شما وقتی سلام می کنید حواستون هست این سلام  
شما دقیقاً هر جور ، با هر کیفیتی که هست به شما  
بازتاب داده میشه و با شما همینطور سلام می کنند ،  
حواستون هست ؟

نه خیر  دقیقاً همینطوره ، ما حواسمون نیست ،  
حواسمون نیست دوست داریم دیگران با ما چه جوری  
سلام کنند ، ما همون جوری به اونا سلام کنیم ، دوست

داریم بقیه با چه افکاری ما رو می بینند به ما سلام کنند ؟  
ما همون جوری با همون افکار با بقیه سلام کنیم ،  
اصلا سوال ، شماها دوست دارین کسی شما رو می بینه  
نسبت به شما چه حسی داشته باشد؟

□ انرژی بگیره . □ متشکرم □ دوست دارم منو می بینه  
حس شادی توش تولید بشه.

□ شادی توش تولید بشه ، تشکر □ دوست دارم یه جایی  
میرم هر کسی منو می بینه همه غصه هاش آب شه  
□ دوست دارم یکی منو می بینه در لحظه توش شور و  
هیجان و شادی بوجود بیاد . □ متشکرم ، منو ببینه شادی  
و هیجان توش تولید بشه، دیگه بچه ها؟ □ دوست دارم  
از همراهی من لذت ببره . □ بله، از همراهی با من  
کیف بکنه، ما همه این خواسته ها رو داریم ، هممون  
دوست داریم وقتی یکی ما رو می بینه انرژی بگیره  
،حالش خوب بشه ، غصه اش آب بشه. پس چرا این  
حس رو تو خودمون خلق نمی کنیم؟ شماها موقعی که  
کسی رو می بینید ، اینو بوجود میارین که آخیش با این  
آدم حال خوب شد، آخیش چقدر ارزش انرژی گرفتم ،

وای این آدمو می بینم غصه هام آب میشه ، من یه بار از یه نفر شنیدم که گفت امروز صبح فلانی ها رو دیدم دیگه تا شبم خراب شد ، شما که دوست ندارین وقتی شما رو می بینند اینطوری فکر کنند که ای بابا روی نحسش رو دیدم قرار نیست چه اتفاق های شومی امروز برای من بیفته ، شما که دوست ندارین وقتی شما رو می بینند اینجوری فکر کنند؟ □ نه □ اصلا اصلا اصلا

□ واقعا واقعا اصلا اصلا اصلا

□ واقعا اینو ما دوست نداریم ، از ته قلب مون دوست نداریم ، ما دوست نداریم کسی ما رو می بینه حتی به اندازه سر سوزنی غصه دار بشه ، دیگه بچه ما صدای بچه ما موسیقی متنه ، ملودی ماست، شما به بزرگواری خودتون در نظر نگیریدش ، پس اول که دوست داریم ما را می بینند خوشحال باشند ، با خوشحالی سلام کنند ، پس ما هم باید دیگران را می بینیم درونمون را خوشحال کنیم و با خوشحالی سلام کنیم . □ الان همه یه سلام خوشحالی به من کنید . □ سلام □ ما با این نوع طرز

تفکر سلام خیلی کم داریم ، اصلا موقعی که داریم سلام و احوالپرسی می کنیم انقدر غرق فکر طرف مقابلیم ، که اصلا حواسمون به انرژی در لحظه‌ای که داریم تولید می‌کنیم نیست ، دوم اگه دوست داریم ما را می‌بینند از انرژی و هیجان لذت ببرند ، باید تلاش کنیم تو روزمون انرژی و هیجان وجود داشته باشه ، تا بشه دیگران از حضور ما شور و هیجان دریافت بکنند. پس هم‌خوشحال باش از اینکه دیگران رو می بینی و هم انرژی و هیجانت رو تو روز بپر بالا ، مخصوصا از دیگران و حضور دیگران. ما هر طوری در جهان رفتار کنیم از عالم هستی همون رو دریافت می کنیم. کدومتون از شنیدن این جمله خوشحال میشین که ... ما هر طوری فکر کنیم یواش یواش همون افکار تو زندگی ما جاری میشه ؟ □ من به این باور دارم . □ کدومتون خوشحال میشین از این ؟ □ هیچکدوممون ، رسماً □ دلیل اینکه خوشحال نمی شیم چیه ؟ □ شدت افکار منفی فوق العاده زیاد □ خیلی خوب مراقب رفتارت باش □ کسی هست اینجا نسبت به اینکه ما هر طور فکر کنیم یواش یواش

افکارمون تو زندگی ما جاری میشن فکر خوب کنه  
؟ آره ، بجاش خیلی هیجان انگیزه که افکارمون تو  
زندگی مون جاری میشه ؟ آفرین ، متشکرم ؟ کس دیگه  
ای هست خوب فکر کنه ؟ بله

؟ چه مدلی فکر می کنی ؟

اینکه حواسم باشه که به فکرهای قوی تر و مثبت تر  
فکر کنم .

اصلا کسی تونسته تو این دو سه هفته ذهنش رو یه  
میزان کنترل کنه ؟ فکراشو ؟

یه جالب بگم براتون ، من الان دو جلسه از شما عقبم  
، الان جلسه سومه دارم باهاتون پیش میرم اینکه تو  
لحظه هایی که روز عادی ( خوب من کلا آدم پرهیجانی  
هستم ) داره پیش میره ، لحظه ای که ناراحت میشم از  
دست بچه هام به محض اینکه ناراحت میشم با اون ریتم  
آهنگ شروع می کنم به بشکن زدن ، یعنی اصلا اجازه  
نمیدم به خودم که خشم بیاد سراغم ، بلافاصله میگم

آفرین خشمتمو... اصلا خودش شادی میاره تو لحن و گفتارم .

□ متشکرم ، آفرین ، مرسی ، متشکرم از تلاش شما مخصوصا کسانی که تو خونه دارین کار می کنید .

□ یه بار یه نفر بهم گفت خانم جباری چقدر آدمها به شما با عشق و محبت نگاه می کنند ، خوش بحالتون ، شما چه لذتی می برید ، خوش به حال شما .

□ بچه ها این نوع کلام این خانم ، این جمله این شخص برای خود اون خانم پیامش چی بود ؟ بازتابش چیه و اسش ؟

□ اینه که هیچکس منو با خوشحالی نگاه نمی کنه .

□ متشکرم ، حسرت ، حسرت داره تولید می کنه .

خوب این حسرت بهش برمی گرده ، هیچ وقت در جهان کسی بهش با ذوق و لذت نگاه نمی کنه ، چه طوری باید این جمله رو می گفت ؟

□ باید می گفت چقدر خوشحالم شما در کنار می یا اینکه خدا شما رو سر راه من قرار داده که از شما یاد بگیرم .

□ من کنار شما یاد بگیرم ، بچه ها اصلا مثل هفته پیش ، هر کی رو کنارت می بینی یه ویژگی خوبی داره شروع کن اونو الگو برداری کردن ، اگه ایشون الگو برداری می کرد ، چیه که مرتب این خانم داره محبت دریافت می کنه ؟ منم از روی اون الگو برداری کنم ، اینجوری هم به خودش اضافه می کرد و هم نگاهش ساطع کننده عشق و لذت بود .

□ سوال ، من سعی می کنم از اتفاقات و اطرافم لذت ببرم ، الان کسانی کنارم هستن که اهل لذت بردن از دنیا و چیزهایی که دارن هستن ، این می تونه بازتاب این باشه؟

□ بله دقیقا میشه بازتاب باشه، خودش داره تولید لذت می کنه ، آدم‌هایی رو دریافت می کنه که اهل لذتند .

□ کسی هستش که بازتاب دیگه بگه ؟

□ خانم جبّاری تغییر برای اطرافیانم سخته ، واقعا سخته ، برا منم سخته ، این می تونه مربوط به نگاهم باشه؟

□ تغییر برای اطرافیانم سخته ، زوم نگاهش هم رو تغییر سخت اطرافیانم هست ، بعد دقیقا همین توی زندگیش برمی گرده .

□ بازتاب مثبت نگاه داریم ؟

□ مثلا من اهل رشد بودن رو خیلی دوست داشتم و سعی می کردم رشد کنم ، همسرم خیلی بیشتر از من به مباحث رشد علاقه داره .

□ دقیقا همینطوره ، به افتخار خودتون که اینقدر قشنگ بازتاب ها رو می فهمید یه دست بزنید .

□ هورا

برویم سراغ دعا چشمها بسته ، با تمرکز ، یک دو ، سه :  
مهربان خدای من ، خالق قدرتمند من ، با دوستانت گرد آمده ایم ، تا محبت محبوب غریب مان را در دلمان زیاد کنیم و جزو آنانی شویم ، که هر زمان ، مولای مهربان تر



از پدرمان، به ما می نگردد، از وجودمان لذت برد ، الهی  
از تو میخواهیم با بهترین فکر و کلام و عمل وسیله ای  
شویم ، تا سرعت ظهور امامان را تسریع کنیم ، و  
زمینه ساز شهر آرمانی او شویم و در زمان پادشاهی  
ایشان به او خدمت کنیم . آمین ، چشمها باز ... □ سوره ی  
والعصر را میخوانیم یک ، دو ، سه :

بسم الله الرحمن الرحيم \*والعصر\* ان الانسان لفي خسر  
\*الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و  
تواصوا بالصبر \*جمله ی بعدش یک ، دو ، سه : روی  
زمین او مدیم، با صفات قوی تر ، اجرای قانون عالی تر  
، به هر چه می خواهیم ب ر سیم امتحانت اندازه ی  
توانت، خودت را دست کم نگیر ، میتونی ، ق وی شو  
متشکر از لطفون یه سری سوال ازتون می پرسم ، با  
خیلی خیلی خوشحالم ، دو انگشتی هم دست بزنید ،  
خودتون توی خونه ، خیلی خیلی خوشحالم ، این مدلی  
جواب سوالها رو بدین .

□ خوشحالی خلق شدی ؟

□ خیلی خیلی خوشحالم .

□ خوشحالی نعمت پدر و مادر و همسر و خونه و رزق داری؟

□ خیلی خیلی خوشحالم.

□ خوشحالی جهان مناسب تو با تو رفتار می کنه ؟

□ خیلی خیلی خوشحالم.

□ خوشحالی معجزه هستی تو هستی ؟

□ خیلی خیلی خوشحالم.

□ خوشحالی برای رشدت سختی می کشی ولی کنارش اضافه میشی .

□ خیلی خیلی خوشحالم.

□ خوشحالی جهان تو رو برای تغییر انتخاب کرده ؟

□ خیلی خیلی خوشحالم .

شما اگه دوست داشتین این نوع جمله ها رو اول صبح به خودتون تلقین بدین که صبح تون رو عالی شروع کنید. معجزه تلقین واقعا جذاب است ، واقعا جذاب .

یکی از شاگردان دوره قبل ، اعلام کرد که : من ۳۱ سالم هست ، روی چهره ، شادی ، خود ارزشی برای خودم کار می کنم، بعد جالب است که پوستم دارد جوانتر می شود ، جوری که همه هم فهمیدند ، همه پیش من می آیند و اعلام می کنند : چکار می کنی اینقدر جوانتر شدی ؟ گفت خودم شروع کردم از چند وقت قبل ، عکس از چهره ام می گیرم ، بعد عکسها را کنار همدیگر گذاشته ام و کلیپ درست کردم که واقعا دارد پوست صورت من و جوانی من بیشتر می شود .

خیلی جالب است قدرت تلقین ، مخصوصا تلقین های اول صبح ، اصلا لحظه ای که چشمتان را باز می کنید ، خیلی حواستان باشد ، چه فکرهایی ، چه جمله هایی از ذهن ما عبور می کند ؟

بچه کوچولوها را دیده اید ، لحظه ای که چشمهایشان را باز می کنند ، سریعاً بلند می شوند ، هیجان بلند شدن ، هیجان کار کردن ، اصلاً نمی شنید سرش را بخاراند ، فکر کند ، صورتش را بمالد ، اصلاً اصلاً ، از هیجان زندگی سرشار است .

خب اگر ما در طفولیت مان اینقدر هیجان داشته ایم ،  
الان که باید هیجان ما هزار برابرِ بچگی ما شده باشد .

یکی از بستگان نزدیک ما ، ویژگی های همسرش را  
اصلا دوست ندارد ، بعد خیلی جالب است ، باشد خانم ،  
شما کنار همسرت هستی و از ویژگی های همسرت کیف  
نمی کنی قبول ، کنار همسرت ناراحت هستی قبول ، اما  
زمانی که با ما هستی ، ما را که دوست داری ، ویژگی  
های ما را که دوست داری ، چرا وقتی کنار ما هستی  
باز هم غصه همسرت را داری ؟ حداقل کنار ما هستی  
خوشحالی کن ، کنار ما هستی چهره خوشحالت را جهان  
ببیند ، نمی تواند ، اینقدر غرق در آن غصه شده است ،  
که اصلا نمی تواند از ذهنش بیرون ببرد ، خیلی از  
ماها اول صبح اینطوری هستیم ، فکرهای گذشته را نمی  
توانیم بیرون ببردیم .

جمله ام را عوض می کنم : بعضی از ماها اینطوری  
هستیم که ، فکرهای گذشته را اول صبح نمی توانیم  
بیرون ببردیم .

اصلاً تلقین یعنی : قانون جذب مستقیم ، شما رسماً با تلقینی که می‌کنی ، آن چیزهایی را که در جهان اراده می‌کنی ، سمت خودت می‌کشانی .

مثلاً حدیث داریم : بی‌تابی می‌کنی به مشکلات ، مشکلات را بیشتر می‌کنی : جذب مستقیم .

از شما عمل بی‌تابی سر می‌زند ، مسئله بیشتر به تو می‌دهند ، بی‌تابی‌ات را بیشتر کنی عشق من .

وای خانم جباری ! اینها را اینطوری با لذت تعریف نکن ، اینها خطرناکترین اتفاق‌های زندگی ما هستند ، آخر یعنی چه ؟ من از یک ناراحتی حرف می‌زنم ، ناراحتی ام را در جهان بیشتر می‌کنند ؟ آقا من دارم از پا دردم می‌میرم ، مدام تکرارش می‌کنم ، این یعنی حقم هست که پایم قطع شود ؟ حقت است ، حقت است !!

چطوری شما اتوی داغ روشن است ، دستت را از عمد بچسبانی به اتوی داغ ، حقت است که دستت بسوزد ، حقت است که دستت تاول بزند ، خب قانون است دیگر ، این قانون است شما دست می‌زنی به اتوی داغ بسوزی

، قانون است آب جوش روی شما بریزد بسوزی ، قانون  
است شما درباره درد و مرض هایت صحبت می کنی  
بیشتر بشوند ، قانون است ...

حالا یارو می نشیند ، مدام از میگرنش تعریف می کند ،  
ببین میگرن او ۱۰ تا است ، ولی ۱۰ تا را ۵۰ تا  
تعریف می کند ، بعد میگرن ۵۰۰ تایی می گیرد ، بعد  
یواش یواش تومور وحشتناک تو سرش در می آورد ،  
بعد می نشیند به خدا می گوید : خدای من ، چرا همه  
درد و مرض ها برای من است ، چرا به بقیه درد و  
مرض نمی دهی ؟

حکایت آن مثل این است که : کسی با اتوی داغ روی  
پایش گذاشته ، پوست پایش را کنده ، پوست پایش تاول  
زده ، چرک کرده ، عفونت کرده ، دوباره اتوی داغ را  
برمی دارد و روی پایش می گذارد و دوباره آن تاولها و  
آن فشاره ، کلا پایش را باید قطع کنند ، بعد به خدا اعلام  
می کند که خدایا چرا اینکار را با من کردی ؟ خب  
عزیز من ، اتو را روی پایت نمی گذاشتی ، خب عزیز  
من ، تلقین سر دردت را نمی گفتم ، حداقل ، می گفتم ،

همان ۱۰ تا می گفتم ، چرا تمارض به مریضی می کنی ؟ حداقل همان ۱۰ تا را گفتم ، بعد آن استغفار می کردی . دکتر حسابی در شرایط مریضی بد ، وحشتناک ، به ایشان می گفتند: حالتان چطور است ؟ می گفتند: دارم بهتر می شوم ، جانم دکتر حسابی ، جانم ، حق توست نفر اول باشی برای مدارس و دانشگاه های ایران ، حق شماست . ببین چقدر قشنگ دارد خودش را مدیریت می کند ! بعد جالب است در روایت ها داریم که خداوند می گوید : کسی که ۳ روز بیماریش را تحمل کند ، ولی به هیچکس چیزی نگوید ، اصلا هم شکایت نکند ، حتی به من خدا هم شکایت نکند ، گوشتی به او می دهم بهتر از گوشت قبلی ، خون او ، بهتر از خون قبلی ، اگر در این بیماری سالم بشود ، گناهی برایش نمانده ، اگر فوت بکند ، به سوی رحمت من شتافته . ۳ روز سکوت کرد ، پاداشش را ببین ! خانمی تعریف می کرد و می گفت : پسر ۱۶ ساله ام با من قهر بود ، مدت های زیاد ، پیش خودم فکر کردم این بازتاب کدام کارم هست ؟ دیدم اِ ، من با بابام قهر هستم ، وای نکند بخاطر قهر بابام است ؟

سریعاً آشتی و گل و بوسیدن بابام و از دلش بیرون آوردن و آشتی با پدرم و... بعد پسرم با من آشتی کرد ، طوری که می آمد پای من را می بوسید و مامان خیلی برایم عزیزی ، اصلاً برای من تعجب ، حیرت ، وای خدای من ... بعد بچه ها خیلی جالب است جهان ، پنهان با ما رفتار می کند ، یعنی ما الان این اتفاقات را تعریف می کنیم ، این اتفاقها برای همه آدمهای دنیا می افتد ، اما پنهان است در اتفاقانشان ، آدمها باید بشینند و بگردند ، الان من قهر در زندگیم دارم ، بخاطر کدام رفتارم است ؟ جهان خیلی واضح و شفاف نمی آید به تو نشان بدهد : قهر کردی ، پسرت قهر می کند ، صبر کن صبر کن حالا ببین ، نه ، اینقدر جهان برای ما و استقلال ما ارزش قائل هست ، خیلی به ما فرصت می دهد ، شما ۶ سال قبل با بابات کردی ، امسال تازه پسرت با تو قهر کرده است ، جهان خیلی برای فهم ما ارزش قائل است ، صبر می کند ، در لحظه نمی زند ، البته بعضی ها که خیلی قوی شده اند ، در لحظه پایش را می خورند ها ، اما این برای همه ما نیست ، چون میزان خطاهای ما



خیلی زیاد است ، ما بی قانونی هایمان آنقدر زیاد است  
که اگر قرار بود لحظه به لحظه نتیجه بی قانونی هایمان  
را ببینیم

هر لحظه باید نابود شده بودیم از روی زمین ، بعد اصلا  
مرام خدا این نیست که در لحظه بزنه ، صبر میکنه ،  
صبر میکنه ، صبر میکنه.

- مثلا از امام صادق (ع) داریم ؛ بعضی از فراعنه  
هستند پنجاه سال پیش گناهی را انجام داده اند اما هنوز  
چوبش را نخورده اند ، یا مثلا بعضی از آدمها را میبینیم  
که شرایط زندگیش خوب هست اما یکدفعه آخر عمرش  
۶ سال در بستر می افتد ، خدا صبر کرد ، صبر کرد ،  
صبر کرد ، دید نه ، درست نشد ، تو قرار بود ۳۰ سال  
جلوتر فوت کنی اما من خدا بخاطر دعاهای خوبی که  
خودت داشتی و پدر و مادر و اطرافیانست کرده اند  
میخواهم تو را آمرزیده ببرم ، حداقل گناه نداشته باشی ،  
بخاطر همین تمام بازتابها را در آخر عمر یک بیماری

فوق العاده سخت با رنج سخت چندین سال و بعدا فوت میکند.

۵ - اما حکایت ماها ، ماهایی که داریم از کار جهان سر در می آوریم ، ماهایی که الان داریم پنهان جهان را کنار میزنیم و آهسته آهسته آشکار نگاهش میکنیم ، در عملکرد خودمان بازیابی میکنیم ، این مسئله من بابت چی بود؟! تلاش میکنیم و پیدایش کنیم.

- بچه ها خیلی از شماها اول راه هستید و دقیق متوجه بازتابها نمیشود ، اصلا هم ایرادی ندارد ، اصلا ربطی به فهم و هوش شما ندارد ، تنها دلیلش این هست که ما هیچ وقت اینطور زندگی نکرده بودیم ، الان تازه داریم بر اساس قوانین زندگیمان را جلو میبریم ، خیلی طبیعی هست که خیلی از جاها متوجه اتفاقات نشویم ، خب اولاً همه قوانین را بلد نیستیم ، دوماً تا الان ریز به ریز خودم را محاسبه نکرده بودم ، خب خیلی طبیعی هست ، باشه خب ، از الان که شروع کردین به محاسبه کردن خیلی آهسته آهسته دستان می آید ، ان شاءالله پایان دوره اول

به این توانمندی رسیدین و متوجه می شوید این اتفاق که  
برایتان افتاد از کجا خورده اید. α

- برویم سراغ جذب مستقیم؛ از حضرت علی (ع) داریم  
؛ اگر از کسی به تو خیر میرسد ، به آن آدم بد فکر  
نکن.

- از همسرت به تو خیر میرسد ، در خانه ای زندگی  
میکنی که مال همسرت هست ، حالا یکسری بد دهنی ها  
همسرت دارد ، خانوم بجای اینکه به همسرش خوب  
فکر کند و بگوید خدا را شکر این آدم ، آدم مسئولیت  
پذیری هست ، خدا را شکر با چهره خوب به خانه می  
آید ، خدا را شکر که اصلا به خانه می آید ، خدا را  
شکر میزانی به بچه ها توجه دارد و .....

ولی معکوس ، همش اینطوری فکر میکند اینم شانس من  
هست دیگه ، از بین این همه آدم و خواستگار من این آدم  
را انتخاب کردم ، همه را برق میگیرد من را چراغ  
نفتی..... هم بد فکر میکند و هم به بچه هایش بد منتقل  
میکند

دیگه باباتون همینه ، من نمیدونم ، باید تحملش کنین ، بعد جذب مستقیمش میشه ؛ همسرش اوایل ازدواج مهربان صحبت میکرد ، حرفهای خوب بهش میزد ، بهش میگفته خدا رو شکر میکنم که با تو ازدواج کرده ام ، اما حالا ، بهش میگه چند وقته تو رو شکل مارمولک میبینم !! میگه توی کرونا بمیری خودم چالت کنم روت سنگ لحد بزارم !! خانوم جباری ، خیلی از ازدواجمان گذشته ، تقریبا ۲۵ ساله اما این مرد جدیداً اینجوری شده !

✕ - جاانم قوانین جهان ، جاانم ، ببین جهان ۲۵ سال به عملی که تولید میکرده صبر کرده ، ۲۵ سال به منفی که ، اول ؛ به همسرت بد فکر میکردی ، دوم ؛ اقتدار همسرت را جلوی بچه ها حفظ نکردی ، سوم ؛ بابت ویژگیهای خوب همسرت از او تشکر نکردی ، بعد اینهمه منفی با هم جمع شده ، باید همون ۲۵ سال پیش بازتابش می آمد ، ولی خب ، حالا خدا به شما فرصت

داده ، ۱ سال ، ۲ سال ، ۵ سال ، ۱۰ سال.... ۲۵ سال  
آخه فرصت داشتی ، هییییی ، از دست کارهای ما.

α- شما دیگه الان جواب این سوال را میدانید ، به چه دلیل اوایل ازدواج خانوم مادر شوهرش با او مهربان هست؟! کم کم رفتار مادر شوهر تغییر میکند؟! جواب چیه؟! بگین دیگه؟؟

عروس خانوم نسبت به رفتارهای منفی مادر شوهر ، هی به آن منفی ها فکر میکند و منفی ها را در ذهنش نگه میدارد ، بعد محصولش میشود قطع شدن خیر از مادر شوهر !!

این حدیث هست و اصلا ربطی به مادر شوهر یا کس دیگری ندارد.

α - شما در محیط کاری هستی و با رئیس کار میکنی ، اگر به منفی های رئیس فکر کنی خیر از رئیس به تو قطع میشود.

- ما تا سن ۷ ، ۸ ، ۹ ، ۱۰ سال عاشق بچه هایمان هستیم ، چون دائما خوبی ها و کارهای جذاب بچه ها را

در ذهنمان بزرگ میکنیم ، اما از سن ۱۰ سال به بعد که شروع میکنیم به بزرگ کردن منفی های بچه ها در ذهنمان دیگه یواش یواش خوبی های آنها نسبت به ما قطع میشود و همه اینها جذب مستقیم هست.

α - خانومی خودش متوجه شده بود و میگفت ؛ خانوم جباری من یه مدت به خواهر شوهرم به خاطر بعضی از رفتارها بد فکر میکردم و دقیقا همسرم نسبت به خواهرم بد شد ، بدون دلیل ، میشه این جذب خودم باشد؟! بله عزیز من ، بله.

α - شخص دیگه ای میگفت ؛ همسایه منزل قبلی یمان خیلی هوای ما را داشت و من بابت همسایه هام خیلی شکر میکردم ، منزل جدید که رفتیم همسایه هایمان بهتر از همسایه قبل بودند ، این هم مال جذب هست؟! بله دیگه اینم جذب هست.

α - آقای ویکتور و آتونی رابینز هر دو نفرشان روانشناس و نویسنده ، سخنرانهای موفق در دنیا بودند ،

سود کل کار آقای ویکتور و مشاورانش یک میلیون دلار در سال ، اما سود آقای آنتونی و مشاورانش صد و شصت و پنج میلیون دلار در سال بود ، یعنی صد و شصت و پنج برابر !!!

برای آقای ویکتور سوال پیش می آید ، به آنتونی میگوید ؛ آنتونی جاان ، به چه دلیل سود کار تو صد و شصت و پنج برابر من هست ؟؟ آنتونی جواب میدهد مشاورهای من آدمهای میلیاردی هستند و مشاوران تو آدمهای میلیونر ، تو با میلیونرها حشر و نشر داری و سود کاریت میلیونی هست ، من با میلیاردرها حشر و شر دارم و سودم میلیاردی هست.

- وای خانوم جباری پس از این به بعد دوستان پول دار انتخاب کنیم !! نه عزیز من ،،، شما دوستان شاد انتخاب کن ، دوستان موفق ، دوستان دانشمند ، دوستان باهوش

دوستان زیرک، دوستانی که توان تغییر دارند، دوستانی که گذشت و بخششون خیلی زیاده، حالا اگه همه این صفتا را هم داشت و پولدار هم بود چه بهتر!!

ما این مثال را نزدیکیم که بگوییم آنتونی رابینز میگه برو پولدار انتخاب کن ما این مثال زدیم که بگوییم: (مراقب باش با کی نشست و برخاست می کنی)

دین ما میگوید دوست را از روی دوست بشناس، ویژگیهای دوستان شما یواش یواش توی شما افزایش پیدا میکند، خاله من آدم مقاومی به کم خوریست، از زمانی که این سه سال ما با هم زندگی میکنیم علاقه من به خوردن کم شده بدون هیچ کاری این اثر دوست روی توه، بعد حالا من بچه کم خوابیم از موقعی که خاله با من زندگی میکند علاقه اش به خواب کم شده، این اثر دوست روی ماست. خیلی مراقب همنشینت باش.

□ خب خانم جباری با آدمایی که ما دوسشون داریم اما ویژگی های منفی دارند چیکار کنیم؟

عزیز من، راحتترین راهش اینست اگر منفی هاش خیلی زیاده روابطتو باهاش محدود کن اگر نه، مثبت هاش خیلی زیاده توی اون منفیهایی که داره براش استغفار کن زمانی که منفی اونو میبینی از منفی اون



لذت نبر!! مثلاً دارد پرخوری می کند حق نداری به خود  
تلقین بدهید:

« چقدر قشنگ غذا میخوره چقدر با لذت!! » شما با این  
نوع فکر داری علاقه به پرخوری را درون خودت  
اضافه می کنی، مثلاً با دوستت رفتی بیرون رژلب خیلی  
تیره زده شما هیچوقت اهل این آرایش نیستی، تو ذهنت  
نگو « چقدر این رنگ بهش میاد » اینجوری خودت رو  
داری علاقمند میکنی به اینجور آرایش، برعکس تو  
ذهنت بگو « خدایا من می خوام ارزش هام رو با  
شخصیتم نشون بدم من می خوام هم شخصیت خیلی زیبا  
بهم بدی و هم چهره زیبایی خدادادی »

□ خانمی تعریف میکرد که مامان من هیچوقت برای ما  
غذا درست نمی کرد خیلی کاری بود، ولی ما همیشه  
بجای اینکه کاری بودن مامان توی ذهنمون باشه (ببین  
به بچه هاش نمیرسه ببین ما هیچ وقت غذای گرم نداریم  
ببین هیچ وقت فضای خونه ما گرم نیست) بعد  
محصولش بعد از ۲۷ سال که بزرگ شده بود و ازدواج  
کرده بود افسردگی شدید میگیره، توانایی غذا درست

کردن توانایی کار کردن نداشته خود خانم شد جا پای  
مامانش، بر اساس تفکری که ارسال می‌کرد "جذب  
مستقیم"

□□ خب حالا یه خبر خوش بهتون بدم ما میزان  
مثبت‌هایی که در جهان تولید می‌کنیم مثبت‌های ما ۱۰ برابر  
به ما برمیگردد و منفی‌های ما فقط یک برابر برمیگردد  
، رسماً آیه قرآن داریم این امتیازی که حضرت  
رسول(ص) برای ما از خدا گرفته ،چون حضرت  
رسول به خدا میگویند که من برای امتم نگرانم( یعنی  
بازتاب‌های عمل و حرکت‌هایی که میکنند) خدا به  
حضرت رسول میگویند من چند امتیاز به امت تو میدهم  
که یکی از امتیازها اینه خوبی اونها رو ۱۰ برابر  
حساب میکنم، جانم پیغمبر!!! واقعا متشکرم بابت  
امتیازی که برای ما ها گرفتید ؛بعد از امام صادق(ع)  
داریم: وای به حال کسی که خوبیهاش که ۱۰ برابره از  
بدیهاش که یک برابر کمتر باشد.

□ مثلاً خانومی از یخچال فریزر و یک سری وسایلش  
ناراحت بوده عکس استیکر لبخند میزند روی یخچال

فریزر که هر بار نگاه میکند یاد این بیفته و لذت ببره که انقدر غصه نخور که اینها قدیمی هستن و عوضش نکردم، انقدر غصه نخور که اینها برای جهازمه و هنوز عوضشون نکردم این همه وسایل شیک تو بازار آمده نه نه غصه نخور برعکس لذت ببر خانم شروع میکنند هر بار ان استیکر لبخند را میبیند نسبت به وسایل خانه اش قدردانی کردن و نسبت به یخچال فریزر و شوهرش که به هیچ عنوان اهل تعویض وسایل نبوده، یخچال مسئله پیدا میکند تعمیرکار میآورند و میگویند این هزینه ای که شما می خواهید برای تعمیر یخچال بکنید یک یخچال نو بخرد بهتر است، می روند یخچال بخرند اتفاقاتی می افتد که یخچال ۱۲ میلیونی (این مثال مال چهار سال قبل است با قیمت الان یخچال ۶۰ میلیونی میشود) مردی که اصلاً خرید نمیکرده!!

خدایا این ۶۰ میلیون حق این خانم بود نه عزیز من ۶ میلیون حق این خانم بود بود ۱۰ برابر شد به خاطر فضل ما، ما بهش لطف کردیم ۱۰ برابر دادی.

خدایا متشکریم از این امتیاز چقدر جالب پس من الان دارم با نگاه قشنگ به پدر و مادرم نگاه میکنم امتیاز مثلاً ۵ عدد مثبت این قراره ۵۰ تا نگاه مثبت توی عالم برگرده؟ درسته، بله آفرین باهوش خب من خیلی هوای بقیه را دارم پس چرا عالم ۱۰ برابر هوای من را ندارد؟ محبت افراطی مال جذب معکوسه که در ویس بعدی درسش میدهیم امکان دارد برای بقیه قانونها باشد انشالله تا آخر دوره دستتون میاد

□ خانم جباری یک سوال موهای من خیلی کم پشت است و تارهای موهام خیلی نازکه همیشه غصه خوردم از این موها و کسی را دیدم که موهای پرپشت داشته همیشه حسرت خوردم، اما بعد از این کلاس شروع کردم به معکوس کردن، تا موهای دیگران را میدیدم خوشحالی میکردم، خدایا شکر!! چقدر موهای پرپشت قشنگی دارد و نسبت به خودم سریعاً ذهنم را میبرد روی اینکه چه سر و گردن قشنگی داری، چه سر و سینه خوش فرمی داری، خدای متشکرم، زوم میکردم روی

اینها بعد الان هم همسر موهای بسیار پرپشت مجدد  
خوش حالت و بور دارد هم دخترم خیلی موهای خوش  
فرم و بور دارد یعنی این همان ۱۰ برابر امتیاز منه؟!  
آفرین عزیز دلم آفرین آفرین! خب خدا رو شکر کاملاً تو  
ناخودآگاه تون نشست پس با این حساب می توانیم این  
مدلی بگوییم

هر نعمتی که ما در زندگی مان داریم ما یک دهم آن  
حقمان است!!!! آ..... آ..... خطرناک شد

▪ □ من اگه متر از خونم صد متری یعنی استحقاق ده  
مترش را داشتم

▪ □ من اگر ده تا دوست صمیمی دارم یعنی امتیاز های  
خودم اندازه یک دوست صمیمی است نه تای دیگه آن  
ارفاق خدا به من است

▪ □ من اگر اخلاقیات بچه ام ۵۰ تا خوب ۵۰ تا بده، آن  
منفی بده را که من ۵۰ تا را تولید کردم اما آن مثبت ۵۰  
تا یعنی من ده تا مثبت تولید کردم چهل تای دیگه آن  
سودی است که خدا به من داده!!!!

یک جذب در لحظه همین الان اتفاق برای من افتاد گوش  
بدید جالبه.

### هر خوبی ۱۰ برابره

من خیلی دوست داشتم این جمله ی تاکید ی را با این  
آهنگ برای شما ضبط کنیم گوش کنید :

هر خوبی ۱۰ برابره ،تا میتونی تکرار کن ،با تکرار  
خوبی ها نعمت بیشتر دریافت کن .

من خیلی دوست داشتم با این آهنگ برای شما ضبط بکنم  
اما خوب به توافق نرسیدیم از ۷ نفر گروه ۶ نفر مخالف  
بودند بخاطر همین تغییرش دادیم .بچه ها بر اثر قانون  
جذب و باز تاب من دارم یک حرکتی انجام میدهم ۷ نفر  
دیگر میگویند مخالفیم باشد عشقم بخاطر شما ها چشم  
!بازتاب کار من در عالم میشود ،دیگران بخاطر من  
چشم بگوی عالم شوند حواستان باشد .

آهنگ انتخابی بچه ها برای شما این بود :

هر خوبی ۱۰ برابره ،تا میتونی تکرار کن ،با تکرار  
خوبیها ،نعمت بیشتر دریافت کن.

\* بچه ها اذیتش میکردند غصه میخورده متوجه تفکراتش که می شود عوضش میکند،خدایا شکر بچه های سالمی دارم .

□ هر خوبی ۱۰ برابره ،تا میتونی تکرار کن،با تکرار خوبی ها ،نعمت بیشتر دریافت کن.

\*شوهرش خیلی چشمش هرز بوده خیلی روی مغز خانم راه می رفته مرتب هم بیشتر میشده میفهمد برای جذب خودش است و عوضش می کند، خدایا شکرست مسئولیت پذیر است، خدایا شکرست قرآن خوان است ،خدایا با نور قرآن نجاتش بده و واقعاً تغییر میکند.

□ هر خوبی ۱۰ برابره،تا میتونی تکرار کن ،با تکرار خوبی ها ،نعمت بیشتر دریافت کن .

\*در ابرویش یک موی سفید در آورده بعد ۶ماه یکی از مژه هایش هم سفید می شود می فهمد اا از بس روی آن ابروی سفید نگاه کرد این مژه هم سفید شد عوضش کرد ،خدایا شکر بابت همه ی ابرو هایم و مژه هایم که سیاه هستند،خدایا شکر انقدر ابرو و مژه سیاه دارم ،خدایا

شکر همه ی موهای سرم مشکی است و دقیقاً بعد از مدت زمان کوتاهی درست شده است .

□ هر خوبی ۱۰ برابره ،تا می تونی تکرار کن ،با تکرار خوبی ها ،نعمت بیشتر دریافت کن.

\*بچه هایش عشق فست فود و سیب زمینی سرخ کرده اند خیلی ناراحت بوده مرتب هم شدید تر میشده متوجه می شود چون خودش خیلی دارد فکر میکند که آه چرا بچه هایم انقدر فست فود می خورند ؟چرا انقدر فست فود ؟چرا انقدر سیب زمینی سرخ کرده ؟بابت فکرهایم است که دارند مرتب شدت غذاهای بیرونشان را بیشتر می کنند، فکرهایم را عوض میکند اول دعا می کند خدایا بچه هایم را اهل غذای سالم قرار بده ،دوم بابت سفره های سالمش شکر می کند، سوم هر موقع بچه ها دارند غذا ی سالم می خورند تشویق میکند وای مچکرم خدایا بچه ها از لطف شما مچکرنند این غذای سالم دارد در بدن شما تبدیل به مو و مغز و استخوان و رشد میشود و با تشویق کردن های زیادش ،بچه هایش علاقه مند شدند به غذا های طب اسلامی و کاملاً سنتی .



□ هر خوبی ۰ ابرابره، تا میتونی تکرار کن ، با تکرار خوبی ها ، نعمت بیشتر دریافت کن.

\*در روابط جنسیش همسرش از او شاکی هست انقدر که شکایت همسرش را در ذهنش بزرگ کرده یواش یواش میل جنسی جفتشان کم شده ، شده ماهی ، دوماهی یکبار !خانم متوجه شده اا بابت فکرهای خودم است خودم مرتب ناراحتی کردم خیلی در ذهنم بزرگش کردم خودم مرتب گفتم چرا این مرد اینجوری است ؟ چرا ؟ چرا؟ و بابت این چرا ها بازتابش شده الان انقدر رابطه یمان کم شده ، شروع میکند معکوس ، ذهنش را کنترل کردن خدایا شکر همسر دارم ، شکر رابطه جنسی داریم، شکر حرفش را راحت میزند، خدایا شکر فرصت بهتر شدن رابطه یمان را دارم و از این به بعد هم تلاشش را میکند برای بهتر کردن رابطه اش . بعد آن قسمتهایی که لذت میبرد شکر و قدر دانی میکند هم از خدا ، هم از همسرش . یواش یواش واقعاً رابطه یشان بهتر میشود به من میگفت: خانم جباری رابطه یمان که شده بود ماهی یک بار الان شده هر شب ، خانم جباری من نمیخواهم دیگر

بیشتر از این بشود می شود تشکر را حذف کنم بیشتر  
از این نشود ؟

□ هر خوبی ۱۰ برابر، تا میتونی تکرار کن ،با تکرار  
خوبی ها، نعمت بیشتر دریافت کن .

\*رفته نمازخانه دیده خیلی شلوغ است ناراحت شده هر  
سری میرود نمازخانه های متفاوت می بیند از شلوغی  
جا نمی شود متوجه میشود مال تکرار فکرهایش است  
بخاطر اینکه خیلی دارد تکرار میکند نمازخانه شلوغ  
شلوغ شلوغ، جا دریافت نمیکند شروع میکند عوض  
کردن ،آخ جان چقدر نماز خوان،خدایا شکرت بابت این  
همه نماز خوان ،خدایا جای باز راحت بهم بده .هم تعداد  
نمازخوانهایی که میبیند زیاد می شود هم جای راحت  
دارد دریافت می کند .

□ هر خوبی ۱۰ برابر، تا میتونی تکرار کن، با تکرار  
خوبی ها نعمت بیشتر دریافت کن.

\* اسم ماشینش را چنگیز گذاشته مرتب میرود ماشین  
تصادف میکند تا یک پول قلمبه ای دستشان می آید

ماشین شان خودش را به یک جایی می زند خرج درست می کند متوجه میشود بخاطر اسمی هست که گذاشته اسم را عوض میکند میگذارد رزق آور ،مسئله اش حل می شود .

□ هر خوبی ، ابرابره، تا میتونی تکرار کن، با تکرار خوبی ها، نعمت بیشتر دریافت کن.

\* دعا زیاد می کرده که خدایا به فرزندم قدرت بده ؛فرزندش زورگو شده فهمیده برای جذب خودش است دعایش را عوض کرده خدایا به فرزندم مکارم اخلاق بده قدرت با قانون بهش بده !درست شد .

□ هر خوبی ، ابرابره، تا میتونی تکرار کن، با تکرار خوبی ها، نعمت بیشتر دریافت کن.

\*در بچگی پای جوجه را شکسته پایش در بزرگی در برف یخ میزند. بازتاب کارش در بچگیش، استغفار میکند برای گذشته اش و سعی می کند جبران کند.

□ هر خوبی ، ابرابره، تا میتونی تکرار کن، با تکرار خوبی ها، نعمت بیشتر دریافت کن.

\* (یکی از شاگردان میگوید : ) من همسرم وقتی کوچک بوده داشت تیرکمان بازی می کرده هیچ قصدی هم نداشته یک تیر که پرتاب میکند میخورد به بال یک پرنده ، پرنده میافتد زمین میبیند بالش شکسته ، سالها میگذرد در فوتبال یک نفر برایش جفت پا می گیرد می افتد زمین و دستش میشکند خانواده ی همسرم یزدی هستند به دست می گویند بال بعد میگوید تا رفتم خانه مادرم نگاه کرد گفت : چرا بال شکسته ؟ همان لحظه متوجه شدم بال یک پرنده را شکستم خدا بال من را شکست .

□ هر خوبی ۱۰ برابر، تا میتونی تکرار کن، با تکرار خوبی ها، نعمت بیشتر دریافت کن .

\* گاهی از اوقات شیطان گولش می زد یک بازی های جنسی میکرد گاهی از اوقات خود ارضایی، با کلاس که آشنا میشود همه را میگذارد کنار، اما بعضی از اوقات دوباره در شرایط خاص که به این کار رو می آورد اوایل خودش را خیلی سرزنش می کرده اما یواش یواش یاد میگیرد سریعتر استغفار کند حتی زمان هایی که پاک

است از خدا تشکر کند، با صله ی رحم اثرش را حذف کند، یک سری جمله های تلقینی به خودش بگوید: این رابطه این لذت چیست؟ این را حیوانات هم دارند، تویی که خلق شدی برای عرش، خودت را برای این کار صرف میکنی؟ بعد با تکرار کردن زیاد این جمله ها مثلاً روزی ۳۰۰ \_ ۴۰۰ بار، آن میل را در خودش کامل از بین برده است.

□ هر خوبی ۱۰ برابر، تا میتونی تکرار کن، با تکرار خوبی ها، نعمت بیشتر دریافت کن.

\* داشته از پا دردش حرف می زده یک دفعه متوجه قانون جذب می شود دهانش را میبندد شروع می کند از جاهای سالمش حرف زدن، الحمدالله پریشب خواب خیلی راحتی داشتم، الحمدالله خوابم خیلی خوبه، الحمدالله نعمت های سالم در بدنم خیلی زیاد است و خیلی جالب بدون اینکه متوجه بشود آخر شب می فهمد که پا دردش کاملاً خوب شده است.

□ هر خوبی ۱۰ برابر، تا میتونی تکرار کن، با تکرار خوبی ها، نعمت بیشتر دریافت کن.

\*از اینکه چهره اش داشته چین و چروک می افتاده خیلی ناراحت بوده و خجالت می کشیده ،بعد متوجه می شود چقدر چین و چروک هایش زود زود دارد زیاد میشود می فهمد آ آ بابت جذبش است از بس دارد فکر میکند با پیری ،دارد سرعت پیر شدنش زیاد می شود. شروع می کند معکوس:مثل قالی کرمان می مانی هر چقدر میگذرد خوشگل تر ،جوانتر می شوی ،ماشالله چه پوست مقاومی داری ،ارزش آدم به ظاهرش نیست که ،ارزش آدم به صفات خوبش است ،هر چی صفتهایم قوی تر ،تو دل برو تر !

□ هر خوبی ، ابراره، تا میتونی تکرار کن، با تکرار خوبی ها، نعمت بیشتر دریافت کن.

حق همه ما است قشنگ زندگی کردن ،حق همه ماست از لذت توی دنیا مست باشیم ،حق همه ماست وقتی چشممان را باز میکنیم به زندگی از وجد این که داریم روز به روز بهتر و قوی تر نعمت های مان را بیشتر می کنیم لذت سرشار ببریم و این فقط در راستای اجرای قانون به وجود می آید و یکی از این قوانین، جذب.

▪ □ برویم سراغ جذب غیرمستقیم؛ تو جذب مستقیم همان رفتاری که تولید کردی را داری عین دریافت می کنی مثل همان رفتار دریافت می کنی ولی توی جذب غیر مستقیم عین دریافت نمیکنی مثل اون رفتار دریافت نمیکنی میزان انرژی همان اندازه است مثلاً مثبت تولید کردی ۱۰۰ تا ، همان مثبت صدتا ، البته حالا هزارتا، ولی ما به خاطر اینکه عددهای مان روند باشد همان اندازه دارم می گویم ولی با قاعده ۱۰ برابر شما دیگه توی ذهن خودتان ده برابر را بگذارید صد تا تولید کردی، مثبت صد مثبت از جهان دریافت می کنی ، اما دیگه شکلش مثل شکل تولیدی شما نیست،

▪ □ مثلاً سر سفره غذا خیلی دختر بچه بچه ش گیر میدهد که بردار غذایت را بخور چرا نمی خوری!! دخترش می گوید مامان من سیرم دیگه میل ندارم بعد مامان اصرار می کند تو چیزی نخوردی که ، بهت می گویم بردار بخور غذا ساعت دارد فقط سر ساعت غذا میخوری بعد جذب غیر مستقیمش میشود سردرد وحشتناک می گیرد که اصلاً نمی تواند بخوابد چشم درد

شدید ،سر درد شدید، این محصول چه چیزی است؟  
منفی که امروز تولید کردی با دخترت زور زیاد گفתי  
منفی این جمع شد با همدیگر، میزان منفی تولیدی  
دریافت منفی ،سی تا منفی و فشار برای دخترت به  
وجود آوردی ۳۰ تا منفی و فشار برای تو به وجود  
آوردند ،شکل زوری که تو به دخترت میکردی تو غذا  
خوردن بود اما شکل زوری که جهان به تو کرد ،تو  
سردرد و بیماری بود .

■ □ یا مثال دیگر خانه یکی از اقوام اصلاً دوست نداشته  
برود با کراحت زیاد می رود درون ناراحت، تمام آن  
زمانی هم که آنجا بوده به خودش فحش می دهد اصلاً  
واسه چی پاشدی و آمدی آخه برای چی به حرف بقیه  
گوش کردی، بعد محصولش چند شب بعد تنها تو اتوبان  
ماشینش بنزین تمام می کند ۳ ساعت گوشه اتوبان می  
ماند تا بالاخره یکی پیاده می شود و بنزین بهش هدیه  
میدهد ،آنجا ۵۰ تا بی احترامی کردی از درونت به آن  
شخص و اینجا ۵۰ تا بی احترامی دریافت کردی از  
زمین و زمان و ماشین و بنزین و اشخاصی که کمکت



نکردند ۵۰ تا ،شکلش فرق میکرد اما اندازه منفی همان اندازه بود .

■ مثلاً خانمی را داشتم تعریف می کرد میگفت من همیشه پنج سانت موهای سرم جلوش بیرون بود همیشه ،خیلی دوست داشتم اصلاً رنگ موهایم را و فرمش را پرپشتی اش را، اصلاً خیلی به صورتم بیشتر می آمد وقتی که موهام بیرون بود لذت بیشتر می بردم ،بعد از آن طرف ترس های درونی م زیاد بود مثلاً جوری که دندانپزشکی می رفتم از ترس گریه میکردم برای اتفاقات ناخوبی که امکان دارد بیفتد ،بعد نمی دانم چی شد اصلاً دلم خواستش که دیگه آن ۵ سانت مو او را بیرون نگذارم و خودم یواش یواش مراعات کردم بعد خیلی جالب بود یواش یواش فهمیدم عه ترس های درونیم کم شده □ جذب غیر مستقیم □ به شخصیت خودش احترام گذاشته شخصیت درونی اش دارد قوی تر می شود ۸۰ تا به شخصیت خودش احترام گذاشت هشتاد تا شخصیت خودش قوی تر شد پس توی جذب غیر مستقیم، شکلی که به ما دارد برمیگردد متفاوت است ،ولی میزان

انرژی آن عمل مساوی است تو مثبت تولید کردی مثبت داری دریافت می کنی.

■ □ مثلاً شخص دیگری می گفت که خشمم را نمی توانستم کنترل کنم بوی بد دهانم زیاد بود شروع کردم کنترل خشم، اصلاً بوی بده دهنم نصف هم کمتر شد خیلی کم، حتی خیلی از بیماری هایی که من بدنم کلکسیون بیماری بود خیلی از بیماری هایی که داشتم از بین رفت، خب آفرین با کنترل خشم مت داری احترام می گذاری به اطرافیان و جهانانت

۸۰۰ تا، دریافتی اش از جهان هشتصد تا سلامت، شکل فرق می کند اما میزان انرژی که تو در جهان داری تولید می کنی همان اندازه بهت بر می گردد.

■ □ اما برویم سراغ جذب معکوس؛ توی جذب معکوس ما بدون اینکه بدانیم با یک عملی داریم صفتی ضد با آن حرکت را درون خودمان خلق می کنیم یعنی یک عملی داریم انجام می دهیم در ظاهر شکلش خوب است، من محبت دارم می کنم در ظاهر، اما چون محبت من زیادی است من در باطن م دارم بی احترامی به خودم خلق می

کنم ،ظاهر کارم منفی است به مرگ نشستم فکر می کنم دارم فکر آخرتم را می کنم که عمل با خودت چی می خواهی ببری ظاهرش منفی است اما در باطن دارد رهایی توی تو خلق می شود ،بعد جالب است آنچه که از عالم هستی به ما برمی گردد آن صفتی است که درون ما خلق شده نه آن عملی که در ظاهر از ما در جهان تولید شده.

■ □ مثلاً ما روایت داریم زیادی شکر کنی از دیگران ،خاری برایت به وجود می آورد کم هم شکر کنی نعمتت را قطع می کنی این را توی قانون شکر کامل توضیح می دهیم ولی اینکه تو حق نداری خیلی از کسی تشکر کنی یک لطفی بهت کرده دو بار تشکر کردی بس است حالا لطفش خیلی بزرگ بود سه بار چهار بار تشکر کردی بس است

چیه خودت را آویزان آن آدم میبینی هر بار که او را میبینی ازش تشکر می کنی، من یک بنده خدایی یک لطفی به من کرده بود یک لطف کوچولو من موقعی که داشت از خانه ما می رفت بیرون ،آدم دنبالش و ازش

تشکر کردم او هم گفت که قابل شما را ندارد دوباره همزمان باهش از پله های راه پله ها او مدم پایین دفعه دوم هم تشکر کردم باز هم نگاه به من کرد و گفت اصلاً این یک ذره کاری که من کردم اصلاً قابل ارزش نیست که، شما داری بابتش تشکر می کنی، من دفعه سوم آمدم بگویم نه باز هم از شما تشکر می کنم خیلی ارزشمند بود از پله ها کله پا شدم کله ملق توی پله، دو سه تا پله را افتادم جلوی آن آدم خواری، خوب حقت بود قانون بود تو در ظاهر عمل خوب مثبت شکر انجام دادی اما در باطن ت دارد صفت کوچیکی جلوی یک آدم را خلق می کنی در نتیجه محصول از جهان کوچکی و حقارت دریافت می کنی ما به این می گوئیم (جذب معکوس)

■ خانمی برای من تعریف می کرد و می گفت خانم جباری زیاد میروم بهشت زهرا، زیاد به مردم فکر می کنم رزقمان زیاد شده، عه تو در ظاهر داری به مرگ فکر می کنی به نیستی، اما یک اتفاقی درون تو افتاده صفت رها شدن از تعلقات دنیا، انقدر نجسب به دنیا رها باش بعد رهایی صفتی است که خیلی ارزش

دارد خیلی، چون این صفت تفکر به مرگ در باطن شما دارد ویژگی خوبی را خلق می‌کند شما از جهان رزق زیاد دریافت می‌کنید (جذب معکوس)

■ مثلاً تعریف می‌کند و می‌گوید که من هر موقعی که می‌آیم حرف بزnm بقیه توی حرفم می‌پرند نمی‌گذارند من حرفم را بزnm منم دیگر تصمیم گرفتم اصلاً حرف بزnm با حرف نزدن م احترام بزarm به بقیه ،بگذار بقیه حرف بزندند خب عشق من تو الان داری با این کارت داری درونت تولید می‌کنی ارزشمند نیستی بی‌ارزشی، بعد محصولش شده همسر بسیار خسیس که پول بهش نمی‌دهد گذشته بیجا کردی دیگران را پررو کردی حقت را از بقیه نگرفتی الان مردی بهت دادند که حقت را بهت نمی‌دهد و پررو است (جذب معکوس)

■ مثلاً خانمی را داشتم که میگفت من خیلی با ناز و عشوه حرف می‌زنم خانم جباری ،اصلاً صدای من شما ببینید، همه فامیل عاشق صدای من هستند خب خانم جباری من با صدایم دارم برای بقیه آرامش، زیبایی، جذابیت خلق می‌کنم اما خیلی جالب است خانم جباری

همسری دارم که سندرم دست بی قرار دارد ، خیلی موقع ها من حرف میزنم یهویی تو دهن من میزند .خنده ی من به این است که تو یک سری چیز ها را دو دوتا چهارتا میبینی ، در صورتی که اونجوری که تو فکر میکنی نیست.

تو فکر میکنی با لحن زیبایی که داری تولید میکنی امنیت و آرامش داری برقرار میکنی عزیزمن ، در صورتی که الان روانشناس های غربی رسماً ، □ دانشمندان به این نتیجه رسیدند که صدا و صوت و آهنگ صوت یک خانم ، برای مرد های نامحرم توی ذهن تولید بی قراری میکند ، ضریب هوشی آقای نامحرم را پایین می آورد.

اصلاً به علم چیکار داری !! بیا خود واقعی مان را نگاه کن ؛ ماها هر موقع که میخوایم از همسرانمان ، پدر و برادرانمان امتیازی را دریافت کنیم ، موقعی که لحنمان را یک ذره با ناز و عشوه میکنیم مغز آن ها خواب میرود ، دیگه عقلشان خوب کار نمیکند ، در نتیجه احساساتی میشوند و خیلی راحت به حرفی که ما میگوییم گوش میدهند.

تو این تجربه را هزاران بار در زندگی ات داری ،  
میبینی با لحن جذابیت ، چقدر مرد های محرمت نمیتوانند  
از عقلشان خوب استفاده کنند احساساتی رفتار میکنند .

اصلا لحن لوند و خیلی جذاب یک خانم مال رخت خواب  
، یعنی جایی که دیگر عقل یک آقا کامل بسته میشود  
میخواود برود سراغ کامل شهوت و احساساتش ، بعد شما  
این لحن جذاب را کجا استفاده میکنی؟؟ جلوی بقیه  
آقایون کشورت . آقایون کشوری که با این لحن و این  
صوت میزان ضریب هوشیون دارد پایین می آید ، بعد  
تو اصلا خبر نداری با صوتت این اتفاق می افتد . بعد  
جانم به دین اسلام که میگوید گوش کردن صوت یک  
خانم ، صوت ها ؛ آهنگ خوندن یک خانم برای مرد  
نامحرم شنیدنش رسماً اشکال دارد ، خب هوش تو را  
دارد کم میکند . البته که منفیه لحن نرم و جذاب و عشوه  
دار از منفی دروغ خیلی کمتره ، مثلا منفی این ، منفی  
بیست تا ، اما منفی دروغ منفی دویست تا ،

ولی خب همین منفی کوچولو کوچولو کوچولو ها جمع  
میشود .

✕ تو جلوی چند تا آقا اینجوری صحبت میکنی؟!  
□ جلوی صد تا .

✕ این منفی بیستِ ضربدر آن صد تا شد ، شد منفی دو هزار ، بازتابش شد اینجوری که آقا با دستش بزند تو دهن شما.

یعنی در باطن بی احترامی به اشخاص ، بی احترامی به هوش آقایون ، بی احترامی به آدم های جامعه ات کردی محصولش شد ؛ بی احترامی کردن به خودت..

من رسماً شاگردی را داشتم که دقیقاً جذاب و با عشوه زیاد صحبت میکرد بعد به من گفت :

□ خانم جباری دلیل اینکه شوهر خواهر شوهرم به من چشم دارد و خیلی از حضور من لذت میبرد به اندام جنسی من خیلی توجه میکند که من اصلاً این ها را دوست ندارم ، دلیلش چی هست؟؟

✕ گفتم که مال صوتت هست عزیز من ، خیلی مراقب صوتت جلوی نامحرم باش .



■ پس در جذب معکوس : تولیدی صفت عملی که ما داریم انجام می‌دهیم ، ضد و معکوس عمل ظاهری که ما داریم انجام می‌دهیم. «مثلا : آقای خیلی به مال حلال اعتقاد دارد خیلی ، ولی این خیلی حلالش ، دیگر شده درگیری ذهنی ، جایی میرود توی خیابان بهش لقمه تعارف میکنند میپرسد ،: آقا شما خُست را میدی؟؟ لقمه ات حلاله من بخورم؟؟!!»

✕ عه عزیزمن ، اصلا هدیه خمس ندارد ، این لقمه ای که داری شما میخوری این هدیه اس ، تو خیلی نگرانی اون لقمه رو بردار بده به یکی دیگه بخورد ، تو خیلی ناراحتی اون لقمه را بردار بخور به اندازه مبلغ آن لقمه هزینه بده انگار تو اون لقمه را خودت خریدی خوردی!! چرا گیر ذهنی تولید میکنی؟؟ بعد فرزندش ، آقا پسر شده هم جنس باز با فروش خودش نون در می آورد و میخورد. این درد ها را آدم کجا بگه بچه ها؟؟

■ □ آقای که نون حلال خور هستش، تو مثبت کارت ، اما چون گیر ذهنی زیاد داری ، درون تو داری داغون

میکنی خراب میکنی بعد حقت هست از جهان هستی  
انقدر منفی دریافت کنی.

«یا خانم دیگه ای که میگوید ؛ من وسواس شدید دارم با  
چکمه دستشویی میروم!!! بعد محصولش : ازدواج کردم  
با مردی که با دمپایی توی دستشویی توی توالت ، میاد  
تو خونه راه میرود .

آخه حق منه؟؟؟ منی که انقدر حواسم هست؟؟

آبله حق شماست ، دین اومده با رعایت نجس و پاکی ،  
تو آزادتر باشی ، گیرهای ذهنیت کمتر باشد ، سرعت  
رشدت در جهان زیادتر شود .

نه اینکه با گیرذهنی به نجسی و پاکی ، گیر ذهنی به این  
قطره ی خونی که اومد ، گیر ذهنی به این آبی که وضو  
میگیرم از دستم برگشت ،

تو بخوای گیر ذهنی بوجود بیآوری و خودت را روز به  
روز ضعیف تر کنی با گیرذهنی!!!

بخاطر همین که تو گیر ذهنی داری ، بخاطر این گیر ذهنی ، بخاطر این گیر ذهنی ، حفته مردی را دریافت کنی که با همان دمپایی بیاید توی خونه راه برود ، حفته.

■ حالا برعکس مثال آزادی ذهنش را هم بزنیم :

«آقا کارخونه دار هستش ، چند تا کارخونه دارد ، پسرش بهش میگوید بابا پول بده سرمایه کاری کنم ، پدر محکم میگوید :بابا جان من پولمو از سر راه نیاوردم که ، من تو سن تو بودم هیچی نداشتم ، خودت کار کن عزیز من خودت در بیار دستت را جلوی هیچ کس دراز نکن بعد بابا ، رهای رهای رها .

♣بابای محترم الان پسر شما در مورد شما چه فکری میکند؟؟

□ مهم نیست ، باید روی پای خودش وایسته.

♣مردم در مورد شما چه مدلی فکر میکنند؟؟

□ مهم نیست ، مهمه پسر من روی پای خودش وایسته.

♣خانم شما نمیگه شما چقدر خسیسی ؟

□ مهم نیست ، مهم پسر م روی پای خودش و ایسته بعد  
محصول این پسرش روی پای خودش و ایسته شده یکی  
از آدم های ورزشکار نفر اول دنیا. جانم به این رهایی  
، بین این رهایی در درونش دارد چه قدرتی خلق  
میکند؟؟

■ □ اصلا جنس های ترس همش جذب معکوس میشود.

»مثلا :

مالش را ، طلا هایش را ، سند خانه اش را بخاطر  
حفاظت زیاد از ترس ، جنس در حال حاضر که دارد  
تولید میشود ، صفت صفت محافظته ، با خودش  
بر میدارد میبرد شمال ، توی راه شمال دزد بهش میزند و  
کل طلا و سند و همه را میبرد. شما با محافظت زیاد ،  
داری در درونت ضعف تولید میکنی ، صفت محصولش  
کمی مال میشود.

■ □ همه ی کارهایی که ما مغروران انجام میدهیم ،  
معمولا جذب معکوس دارد.

«مثلا: دخترش خیلی زیباس ، پز دخترش را خیلی به اهل فامیل میدهد ، در ظاهر دارد نسبت به زیبایی دخترش ارزش تولید میکند ، دارد به زیبایی دخترش بها میدهد ، اما در باطن دارد غرور تولید میکند و غرور محصولش : خار شدن است. بعد همین دختر ازدواج میکند با کسی که خانوادگی اهل مواد مخدر هستن. شد انگشت نما و زبان زد فامیل ، خیلی از چشم همه افتاد .

■ یا لعن و نفرین کردن ، اگر لعن و نفرین بر اساس دل باشد : دلم از کسی شکسته لعنتش میکنم ، به حق هم لعنتش میکنم اون لعنت هم تو زندگی اون آدم جاری میشود ، هم تو زندگی خودم بنا بر جذب جاری میشود . «مثلا : خانمی که پسر همسایه را بخاطر اینکه به دخترش تجاوز کرده بود لعنت کرد ، بعد پسر خودش با یک دختر خانمی تجاوز.....لعن و نفرین دوسر است ، هم تو زندگی خودمان جاری میشود هم تو زندگی افراد. ■ پس لعن نکنیم ؛ اگر لعن به حق نباشه ، که اصلا فقط تو زندگی خودت جاری میشود، تو زندگی طرف مقابل که اصلا جاری نمیشود .

<< اما یک دسته از لعن ها ،

مثل : لعن های زیارت عاشورا که الان خیلی تو

شبکه های اجتماعی مرسومه که لعنت جذب میشود ؛ ما این همه میگوییم مرگ بر آمریکا مرگ بر آمریکا ، این همه اتفاق برای کشور خودمان دارد می افتد ، یا این همه آمریکا دارد آتش میگیرد یا یک سری از اتفاقات سیل و بی بارونی و این ها دارد خرابش میکند ، این لعنت هایی هستش که ما داریم میکنیم.

■ □ اما لعنتی که ائمه ما به ما سفارش کردند لعنت صفت سازه ، یعنی چی؟؟ تو وقتی داری تو زیارت عاشورا ابوسفیان را داری لعنت میکنی ، هم زمان با خواندن زیارت عاشورا دارد درون تو صفت تنفر از ظلم به وجود می آید ، بعد صفت تنفر از ظلم یکی از صفاتی هست که ما بهش احتیاج داریم .

خاصیت تنفر از ظلم :

۱. نمیگذارد ما خیلی سیاه بشویم.

۲. سرعت خوبی ما را بالا میبرد

۳. علاقه ی به نور به خوبی ها..

□ ۳- علاقه به نور ، به خوبیها ایجاد علاقه را اضافه می کند .

□ ۴- صفت دفاع از حق برای تو به وجود میاد . بتوانی وقتی از ظلم خیلی بدت می آید مجبور میشوی بایستی دفاع بکنی .

□ ۵ - نهایت پستی که رو کره ی زمین میشود دنیا خواهی ۱۰۰ ، سقف بدون در نظر گرفتن خدا که توی ابوبکر ، عمر ، عثمان ، معاویه وجود داشت این نهایت پستی را با تمام وجودت داری ازش دور میشوی که دیگه خودت جزو گرگهای زمین نشوی .

ما این ۵ تا محصول را که در اثر تنفر در ظلم به وجود می آید احتیاج داریم ، یعنی صفات تنفر از ظلم یکی از صفاتیه که تو ایرانیها خیلی زیاد هست . اصلا" ایرانیها انقلاب کردند چون تنفر از ظلمشون خیلی زیاد شد .

ایرانیها پیشتر انقلاب جهانی هستند چون تنفر از  
ظلمشون خیلی بیشتر از بقیه کشورهاست. در صورتیکه  
الان ما بعد از سالیان سال جنایتهای آمریکا تازه داریم تو  
این دهه اخیر راهپیمایی های مردم آمریکا را بر علیه  
دولت مردانشون می بینیم که دارد می ایستد ، نه ما این  
را نمی خواهیم . نه ما موافق این نیستیم . نه شما حق  
نداشتین این کار را توی جهان عملی کنین .

تازه داره ویژگی جلو ظلم ایستادن و دفاع از حقش بالا  
میره . این صفت یه صفت نهادینه هست و این صفت با  
لعن کردن کسانیکه مجسمه بدی در جهان هستند توی ما  
به وجود میاد .

تاریکی مطلق ، هیچ خیری توی این آدم نیست . اون  
آدمی که به من ظلم کرده من نفرینش می کنم . حالا  
همسایه من هست ، همکار من هست ، یکی از فک و  
فامیلم هست این آدم که مجسمه تاریکی نیست ، این آدم



که همه سلولهای بدنش سیاهی نیست . این آدم که تو مطلق ظلم و کثیفی که فرو نرفته است .

می آیم این آدم را که مثلا " لکه های نورانی خوبی تو وجود این آدم هست ، بعد که من می آیم این آدم را لعنت می کنم یعنی دارم خوبی های اون آدم را هم لعنت می کنم بعد خوبیهای خودم هم کشته میشود . ولی زمانیکه می آیم یکی را لعنت می کنم که ائمه به من سفارش کردند آن امام می داند که آن آدم هیچ خیری نبود . حالا هم آن آدم خودش آن را لعنت می کند هم به تو می گوید تو هم لعنتش کن .

در نتیجه صفت تنفر در ظلم به وجود می آید و با جذب معکوس شما قدرت دفاع خودت بالا میرود .

قدرت و توانایی خودت بالا میرود . حالا یه موقع هست غیر از ائمه معصوم اولیای صالح برتر زمان هست .

مثلا " امام خمینی تو زمان خودشون شخص برتر بودند از لحاظ صفتها ، از لحاظ دیدن اتفاقات واقعی که تو

جهان در حال افتادن هست . امام خمینی میگن لعن  
آمریکا کن . مرگ بر اسرائیل کن .

چون دولت مردهای خبیث آمریکا و اسرائیل را امام  
دارد می بیند . اینا تو ذاتشون هیچ خیری نیست و تو  
زمانی که داری لعنت می کنی ، تنفر از ظلمی که آنها  
دارن انجام می دهند توی تو به وجود می آید .

سهیمه چند تا تانک فروخت ، سهیمه چقدر موشک  
فروخت ، چقدر سهیمه فروخت بمباران شیمیایی کرد  
کشور ژاپن را تو با تنفر از ظلمت و لعن به آمریکا  
داری کمک می کنی :

۱ □ - خودت جلوی ظلم مقاوم تر بشوی .

۲ □ - با این تنفر اون ۵ تا خصلت در تو اتفاق بیفتد .

۳ □ - سرعت رسیدن به حق در جهان را بالا ببری .

حالا اولیای صالح زمانت امام خمینی تشخیص دادند که  
شما اسرائیل و آمریکا را لعن کن ، تو لعن کن . یا مثلا  
" اولیای صالح زمان ما ، رهبر ما اعلام کردند که به

خاطر اتحاد شیعه و سنی مراسمهای لعن را جمع بکنین

مثلاً "مراسم لعن میگیرد ، لعن ابوبکر ، لعن عمر ، لعن عثمان خوب الان رهبر تو تشخیص دارد میدهد به خاطر اتحاد شیعه و سنی تو حتی مراسم های مذهبی چرا پای بلندگو اعلام می کنی لعنت به حرمله ، چرا این لفظ را اعلام می کنی ؟ ولی فقیه ات گفته لعنت های عمومی نکن . خانم جباری امام صادق گفتند لعنت به حرمله کن . خود امام صادق گفتند لعنت کن . بله عشق من تو لعنت کن به حرمله . تو خونه خودت تنها نشستی لعنت کن . با فک و فامیل خودت که هیچ کدومشون سنی نیستند بشین لعنت کن . ولی تو جمع عمومی ، توی هیئتی که از هر فرقه ای حضور دارند لعنت های فارسی نکن . لعن علی عدوک یا علی ، اولی و دومی و سومی عزیز من خیلی داغ داری ؟ خیلی ناراحتی ؟ به جای این مدل لعن ، لعن زیارت عاشورا بخون .

الان رهبر تو ، اولیای صالح زمانت به خاطر اتحاد بین ایران ، عراق و تمام کشورهای مسلمان می گوید :

مراسم لعن نگیر . یعنی هر جوری غیر مدل ائمه تو لعن نکن . اینجوری هم دستور رهبرت را رعایت کردی . هم لعنتت را کردی . لعنت با زبان امام .

امامت یادت داده میخوای لعنت کنی " اللهم العن اول ظالم ظلمه بحق محمد " .

یه وقت کسی فکر نکند من با حرمله دوستی خاصی دارم ؟ نه عشق من ! شما تو خونه خودت یه کم سر سجاده خودت ۱۰ بار ، ۱۰۰ بار لعنتش کن . با فک و فامیل نشستین می دونی همه اینها جزء مسلمانهای درجه ۱ هستن لعنتشون کن . اما این که بخوای تو مراسم عمومی اینو بگی نه ، خواهشا" اینکار را نکن .

حتی ما تو همین کلاسی که الان داریم درس می دهیم از ایران و خارج از ایران ، دین هایی غیر از اسلام شاگرد داریم و این باید به گوش همه برسد که ما متابع ولی فقیه مون ، تابع رهبر کشورمون عکس العمل انجام بدین .

درسته دل خودمون خیلی خونه از دستشون ، امام  
معصوم هم گفته این کار را بکنین . ما هم می کنیم این  
کار را در خلوتمون . اما الان رهبر ما ترجیح میده این  
مراسم تو کشور به خاطر اتحاد شیعه و سنی نباشد ،  
باشه چشم ! ما این را عمومی الان انجامش نمیدهیم .

بریم سراغ قانون جذب خودمون :

□ پس جذبه‌های معکوس شدند تو این چند تا قسمت  
غرور جذب معکوس دارد ، ترسها جذب معکوس دارند  
، بعضی از افراطها جذب معکوس دارند .

□ تفکر به مرگ و کفن پوشیدن جذب معکوس دارد ،  
لعنتی که امام گفته باشد یا ولی فقیه جذب معکوس دارد  
.

□ اینا دسته های جذب معکوس فوق العاده خوبی  
هستند که اتفاقاً " محصولات خوبی هم برای ما به وجود  
می آورد .

□ و یکی دیگر از دسته های خود جذب زوم ذهن ما  
هست .

□ ماها بدون اینکه بدانیم خیلی از اوقات روی یک سری از مطالب بدون اینکه بدانیم زوم می کنیم و اون مطالب اصلا" به نفع ما نیست .

□ ما اصلا" باید این هنر را یاد بگیریم نسبت به یک سری از اتفاقهای زندگیمون زود ذهنمون را از روی آن برداریم .

الان اخبار یه اتفاق ناخوشایند تعریف کرد . از یه رابطه جنسی فوق العاده بد و آقایی که خیلی مذهبی بود ، دینی بود و چه گندی زده بود . شما باید خیلی سریع ذهنت را از روی آن برداری . برداری ! یعنی چه یک ساعت می نشینی فکر می کنی ، بیا این هم نتیجه ی دین ، بیا ای هم آدمهای مذهبی . ببین ! این یک ساعتی که تو داری اینجوری فکر می کنی برای خودت دارد کنطور منفی می اندازد . حالا برعکس یه اتفاق جالب ، یه لطیفه خوشکل ، یه حرکت قشنگ تو اطرافت می بینی اصلا" باید ذهنت را بگذاری روی آن زوم کنی .

□ مثلا" طرف مقابل شما تعریف می کند مادر بزرگ من ۱۱۰ سالش بود ، لپ هاش که گل انداخته بود بهش گفتیم

مامان بزرگ صورتت سرخ شده گفت که این خانم همسایه اومد من را چشم کرد .

الان شما این را شنیدی ؟ روی آن زوم کن . ماشاءالله ۱۱۰ سالشه ، اینقدر سالمه که ببین بدن خودش را داره کنترل می کنه ، اصلا" لپ هاش گل انداخته ، اصلا" نسبت نمی دهد به اینکه خودم حالم خوب نیست . میگه چشمم زدند . چه بنیه قوی دارد . ماشاءالله ۱۱۰ ساله همه چیزش هم رو پا هست ، سرحال ، سرحال هست .

اصلا" زوم کن ! ۱۰ دقیقه ، یک ربع ، روی آن فکر کن .

□ ما به میزان اینکه داریم روی یه اتفاق زوم ذهنی انجام می دهیم ، جذمون تو اون اتفاق داره بیشتر می شود .

□ حالا اگر زوم ذهنمون روی اتفاقات مثبت زیاد بماند محصولی که دریافت می کنیم اتفاق مثبت بیشتر هست و اگر برعکس زوم ذهنمون روی اتفاقات منفی بیشتر بماند خوب معلومه که زوم ذهنمون بیشتر از اتفاقات منفی هست .

□ پس اصلاً " تو منفی ها مون اعلام کنیم . رهش کن ،  
ولش کن ، مهم نیست ، داری آینده ات را می سازی و  
برعکس توی اتفاقات خوب به خودمان تکرار کنیم :  
آفرین زومش کن ، تکرارش کن ، نگهش دار ، داری  
آینده ات را می سازی .

چون دارید همزمان کارهای نقشه گنج جذب را انجام می  
دهید ، دلم نیامد این را نگویم . خیلی مراقب زوم ذهنتون  
باشید . اصلاً " چند ثانیه روی این موضوع فکر کردی  
؟ چرا ۴۰ ثانیه طول کشید حرف همسرت از اینکه گفت  
برو بابا ! ببند اون .... چرا ۴۰ ثانیه طول کشید تو ذهنت  
موند ، زود باید آن را باید بیرون می انداختی ! در آن  
! هر چه سرعت رهایی ما به چیزهایی که دوستشان  
نداریم سریعتر قدرت جذب ما تو اتفاقات مثبت عالم  
هستی بیشتر امیدوارم هر جایی که هستین قوی و  
قدرتمند ، زیبا ، سالم و سر حال باشید .

### رهش کن مهم نیست

• دوستش می‌گه ماشینت رو داری میبیری اورا قی میشه  
وسيله های من رو که نمیخواد ماشین از روش بردارم؟



میگه باشه بردار

○ زومش کن نگهش دار ،تکرارش کن ،داری ایندتو می سازی.

• هنوز ۳ دقیقه با ماشین نرفته بود که ترمز نمی گیره میوفتد تو جوب آب

○ رهاش کن،مهم نیست ،آیندتو عالی کن .

• مکانیک اول میره میبینه مکانیکی بسته است .

○ رهاش کن،مهم نیست ،آیندتو عالی کن .

• مکانیک دوم که میاره میگه مراقب باش تا بهشت زهرا هم نمیرسوننت.

○ زومش کن نگهش دار ،تکرارش کن ،داری ایندتو می سازی.

• تو ماشین میشینه،با اینکه ترمز نداشته اما به راحتی تا جاده ی بهشت زهرا میبرتش.

○ زومش کن نگهش دار ، تکرارش کن ، داری ایندتو می سازی.

• نزدیک بهشت زهرا میبینه عقب ماشین داره اینور و اونور میره

○ رهاش کن ، مهم نیست ، آیندتو عالی کن .

• یهویی نمیبینه یک چرخ داره از بقل جاده میچرخه میره جلو.

○ رهاش کن ، مهم نیست ، آیندتو عالی کن .

• به ذهنش میرسه نکنه چرخ ماشین خودم باشه!!

○ زومش کن نگهش دار ، تکرارش کن ، داری ایندتو می سازی.

• پیاده میشه یک طرف ماشین میره بالا .

○ رهاش کن ، مهم نیست ، آیندتو عالی کن .

• میدود چرخ رو بگیره میده در ماشین میبینه هیچی اچار نداره .

○ رهاش کن ، مهم نیست ، آیندتو عالی کن .

•کنار اتوبان می ایستد از آقایی کمک میگرد و آقا میگه  
چون اچار نداری منم پیچ ندارم بهتره از هر چرخ یک  
پیچ برداریم و وصل کنیم چرخت رو .فقط این تورو تا  
مقصد میرسونه ها!!!

○ زومش کن نگهش دار ،تکرارش کن ،داری ایندتو می  
سازی.

•بالاخره با هزار دردسر میرسه به بهشت زهرا میبسنه  
یک صف خیلی بلند اونجاست همه بهش میگن امروز که  
نباید ماشین رو می آوردی فقط باید مدارک رو می  
آوردی !.

○ رهانش کن،مهم نیست ،آیندتو عالی کن .

•چند لحظه مکث میکنه ،صدای اذان میاد همزمان با  
رهایی و توکلی که میکنه میگه الان وقت نماز هست  
ماشین رو ولش کن برو به نمازت بچسب نمازت الان  
مهمه!!!

○ زومش کن نگهش دار ،تکرارش کن ،داری ایندتو می سازی.

•بعد از نماز که میاد بیرون میبینه از اون صف طولانی خبری نیست !! میره می پرسه چی شده ؟ میگن امروز باید ماشین می آوردند همه رفتند ماشین بیاورند .

○ زومش کن نگهش دار ،تکرارش کن ،داری ایندتو می سازی.